

یک‌شنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۹ • ۲۵ شعبان ۱۴۴۱ • ۱۹ آپریل ۲۰۲۰

اخبار

موزه‌های کشور به اینترنت رایگان مجهز می‌شوند

همه موزه‌های کشور با همکاری وزارت ارتباطات به اینترنت مجهز می‌شوند در فاز اول موزه های اطراف میدان مشق تهران به اینترنت رایگان متصل شده اند.

قرار است پس از راه اندازی اینترنت هفت موزه در تهران، همه موزه‌های کشور دارای اینترنت رایگان شوند در فاز اول موزه‌های میدان مشق تهران شامل موزه ایران باستان، موزه ملک، موزه سفال و آبیگینه، موزه دوران اسلامی، موزه علم و فناوری، موزه ارتباطات دارای اینترنت شده‌اند اینترنت موزه انقلاب و دفاع مقدس نیز همین روزها وصل خواهد شد.

همین روزها وصل خواهد شد.
از همین فاز اول و تا یک ماه آینده موزه‌های تهران و در فاز بعدی موزه‌های کشور به اینترنت سراسری متصل خواهند شد. این موزه‌ها می‌توانند با استفاده از اینترنت رایگان از فناوری‌های روز مانند QR یا اینترنت اشیا و یادکست، ویدیو و هر آنچه که به شکل جدیدی می‌تواند در معرفی موزه‌ها و جذب مخاطب کمک کند، دست پیدا کنند.

استفاده از تکنولوژی‌های روز منوط به این است که موزه‌های ایران اینترنت با سرعت و مناسبی را داشته باشند. وزارت ارتباطات در نظر دارد تا اینترنت موزه‌ای را بدون هزینه و محدودیت برای همه موزه‌ها ایجاد کند تا هم موزه‌ها دارن به آن دسترسی داشته باشند و هم مخاطبان موزه‌ها. بنابراین همه موزه‌های دولتی و حتی موزه‌های خصوصی می‌توانند درخواست ش‌ان را به وزارت ارتباطات ارائه کنند.

این ایده از آنجا شکل گرفت که در روزهای تعطیلی ناشی از شیوع ویروس کرونا، موزه‌های کشور، بسیاری از بازدیدکنندگان خود را از دست دادند. موزه داران به این نتیجه رسیدند که تا کنون این مراکز گردشگری و تاریخی در استفاده از فناوری‌ها و تکنولوژی‌های جدید عقب مانده‌اند.
درحالی که موزه‌های کشورهای دیگر در این زمینه موفق عمل کرده و حتی در دوران قرنطینه و یا تعطیلی موزه‌ها، بازدیدکنندگان مجازی خود را همچنان داشتند.

روابط عمومی سازمان فرهنگ وارتباطات خبر داد:

پیوستن ۵۹ شخصیت فرهنگی لبنان به پویش «نه به تحریم»

۵۹ تن از استادان زبان و ادبیات فارسی و ایران‌شناسان لبنانی با ارسال نامه‌ای به رایزنی فرهنگی کشورمان، به‌پویش «نه به تحریم» و به حمایت و همدردی با ملت ایران پیوستند.

۵۹ نفر از شخصیت‌های فرهنگی لبنان شامل استادان زبان و ادبیات فارسی و یران‌شناسان با ارسال نامه‌ای به رایزنی فرهنگی کشورمان، به‌پویش «نه به تحریم» و به حمایت و همدردی با ملت ایران پیوستند.

«در حلقه زندان» در فضای مجازی میزبان مخاطبان می‌شود
یکصد و شصت و یکمین شب شعر طنز «در حلقه زندان» یکشنبه ۳۱ فروردین ساعت ۱۸ از آپارات پخش می‌شود.
محف طنز «در حلقه زندان» در یکصد و شصت و یکمین نوبت خود همچون نوبت قبلی به منظور حفظ سلامت مخاطبان و جلوگیری از شیوع کرونا از طریق فضای مجازی با مخاطبان خود در ارتباط خواهد بود. این شب شعر طنز که آخرین یکشنبه‌های هر ماه برگزار می‌شود، روز یکشنبه ۳۱ فروردین ساعت ۱۸ از آپارات پخش می‌شود.
اسماعیل امینی، سعید بیابانکی، اکبر کتابدار، نادر ختایی، همایون حسینیان، مجتبی احمدی، حسین رضوی‌فرد، مصطفی مشایخی، سیامک روش، امین توسرکاتی، حمید اسماعیلی، محمدحسن صادقی و روح‌الله سرطاوی شاعران و طنزپردازانی هستند که در ین نوبت از «در حلقه زندان» به شعرخوانی می‌پردازند.
اجرای این برنامه را عباس احمدی و روح الله احمدی برعهده دارند و مهدی فرج اللهی نیز به اجرای موسیقی می‌پردازد.
علاقه‌مندان می‌توانند این محفل ادبی www.aparat.com/soreehonarlive در اینستاگرام تماشا کنند.

«در حلقه زندان» به همت دفتر طنز حوزه هنری و مؤسسه سپهر سوره هنر برگزار می‌شود.

آغاز فعالیت مجدد کتابفروشی‌ها در سراسر کشور

فعالیت کتابفروشان در سراسر کشور از امروز در صورت ثبت در سامانه وزارت بهداشت اجازه فعالیت پیدا کردند.

پس از نزدیک به دو ماه تعطیلی فعالیت‌های فرهنگی صنف کتابفروش از امروز تمامی کتابفروشان در سراسر کشور به شرط ثبت نام در سامانه مرکز سلامت محیط و کار که از سوی وزارت بهداشت و درمان ایجاد شده است، می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند.

در همین راستا دستورالعمل‌هایی نیز به منظور فعالیت اصناف مختلف در این سایت بارگزاری شده است که با وجود اینکه به طور مشخص به صنف کتابفروشان در آن اشاره‌ای نشده است اما ذیل عنوان کلی مراکز جمعی می‌توان روش‌هایی برای فعالیت در این مراکز را دریافت کرد.

اطلاعات مشخصی از میزان ثبت‌نام صنف کتابفروش در این سامانه منتشر نشده است اما مسئولان وزارت بهداشت طی روزهای اخیر اعلام کرده‌اند که اضافی که بدون ثبت‌نام در این سامانه اقدام به بازگشایی کنند مورد برخورد جدی قرار خواهند گرفت.

طی روزهای گذشته رئیس اتحادیه باشران و کتابفروشان تهران از خسارت نود درصدی به ناشران و کتابفروشان خبر داده و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز برآورد این خسارت را معادل بیش از ۹۷۴ میلیارد تومان ذکر کرده بود.

بهمن نامورمطلق اعتقاد دارد که کرونا یک مثال از ایده اثر پروانه‌ای بود که کوچک بودن جهان را ثابت کرد، بنابراین پس از کرونا باید به سمت فرهنگ زندگی سیارهای رفت.

شیوع کرونا باعث شد تا جهان به یکی از دشوارترین وضعیت‌های پاندمیک خود دچار شود. کلیت جهان از همه کشورهای پیشرفته تا کشورهای موسوم جهان سوم درگیر این وضعیت شده و به تعلیق فرو رفتند. این تعلیق هراسی را در دل انسان ایجاد کرده و مهم‌ترین نکته این هراس در این بود که نهاد دانش پاسخی برای این وضعیت نتوانست ارائه کند. حال سوال اینجاست که چگونه باید به فهم کرونا و در نتیجه فهم تأثیراتش بر جهان، پرداخت؟ این فهم مستلزم چه مولفه‌هایی است؟ قطعا برای داشتن یک چشم انداز از فرهنگ و زندگی پساکرونای باید به توانایی فهم آن رسید. برای تحلیل این موضوع با بهمن نامورمطلق به گفت‌وگو نشستیم.

نامورمطلق اکنون یکی از چهره‌های شناخته‌شده در حوزه نقد و نظریه‌پردازی فرهنگی است. او عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی است و هم‌اکنون نیز سرپرستی دانشگاه استاد فرشچیان را بر عهده دارد. نامورمطلق پیشتر در سمت دبیر فرهنگستان هنر و معاونت صنایع دستی و هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، به خدمت اشتغال داشته و نام‌های مهمی را نیز در جهت پویایی فرهنگ و هنر ایران به مرحله اجرا درآورد.

«اسطوره‌کاوی عشق در فرهنگ ایرانی»، «درآمدی بر اسطوره شناسی؛ نظریه‌ها و کاربردها»، «درآمدی بر بینامتنیت»، «بینامتنیت:از ساختارگرایی تا پسا مدرنیسم»، «اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد رُژر دو مزیل»، «اسطوره و اسطوره‌شناسی نزد نورتروپ فرای»، «اسطوره و اسطوره شناسی نزد ماکس مورل» و «اسطوره شهر اصفهان» عناوین شماری از مهم‌ترین تالیفات بهمن نامورمطلق است.

در نظام‌های اندیشگی عصر حاضر از مفهومی به نام «خرداد» صحبت شده است. به باور متفکرانی چون آلن دبویو، رخداد در ذات خود یک ویژگی دارد که برای محقق شدن باید در وضعیت موجود مداخله کند و قواعد آن وضعیت را تغییر دهد. در جامعه فعلی جهانی آیا کرونا یک «خرداد» است؟

قطعا کرونا یکی از پنج رخداد بزرگ جهانی در ۱۰۰ سال اخیر است. شاید تنها از نظر ابعاد و تأثیرگذاری کرونا با جنگ‌های جهانی قابل مقایسه باشد. تازه این در صورتی است که کرونا به همین شکل باقی بماند. هیچ معلوم نیست که چه می‌شود و شاید کرونا اشکال دیگری گسترش پیدا کند. ما هنوز کرونا را به صورت کامل نشناخته‌ایم. یکی از تفاوت‌های کرونا با جنگ‌نیز در همین ناشناخته بودن آن است. ما در جنگ‌ها می‌دانستیم که مثلا متفقین و متحدین با هم درگیرند، اما در مواجهه با کرونا تمام انسان‌ها در مقابل یک ویروس قرار گرفته‌اند و این وضعیت را متفاوت و مرزوم می‌کند. و البته یک تجربه جدید مسئله مشترک میان انسان‌ها را هم موجب شده است.

بنابراین تأثیری که کرونا بر سرنوشت انسان‌ها می‌گذارد یا تأثیرات جنگ‌ها متفاوت است؛ هرچند که شباهت‌هایی هم دارند. کامو در «طاعون» نوشته است که یونانی مشترک طاعون با جنگ در غافلگیری کردن کرده است، کرونا از این دو بیشتر انسان‌ها را غافلگیری کرده است، چرا که با یک پدیده تازه و ناشناخته‌ای مواجه شده‌اند که همه جهان را برایشان ناامن کرده است. زیگمونت باومن از مفهومی به نام «حس انحرافی» صحبت کرده است. این حس یعنی اینکه ما احساس کنیم که جهان برای ما ناامن شده است. جهان ناامن تأثیرات زیادی بر سلامت روان، روابط انسان‌ها، نگاه، نگرش و اخلاقی می‌گذارد و کرونا بیش از هر چیزی ما را دچار این حس ناامنی در جهان کرده است و این ناامنی جنبه‌های گوناگونی دارد. ناامنی نسبت به دیگری یکی از مهم‌ترین آنهاست. ما نسبت به دیگری بی اعتماد شده‌ایم که نکند او ناقل باشد. بنابراین انسان‌ها به حلقه‌های کوچک‌تر با به فردیت خودشان پناه برده و همه به دنبال پناهگاه خواهند بود. و این خود رویدادی استرگ است.

آلن دبویو بیش از هر فیلسوف دیگری درباره مفهوم رخداد کار کرده است. به زعم او رخداد چیزی است که می‌برد و دچار گسست می‌کند. رخداد شک ایجاد می‌کند و اقتدر سهمگین است که باعث تغییرات اساسی می‌شود. به همین جهت جهان را به پیش و پس از خود تقسیم می‌کند. رخداد چیزی است که نگرش‌ها را تغییر می‌دهد و تاریخ را به دو قسمت تقسیم می‌کند و پس از آن رخداد دیگر آدم، جامعه، جهان و یا سیاره قبلی وجود نخواهد داشت و همه اینها متحول می‌شوند.

اگر کرونا این تأثیر را گذاشته باشد که به زعم من گذاشته، یک رخداد بزرگ است. شاید ما هیچ رخداد بزرگی در این دهه‌های اخیر به گستردگی کرونا نداشته‌ایم؛ چرا که کرونا نه صرفا درباره اشخاص یا شهرها، که دنیا را به پیش و پس از خود تقسیم کرده است. بنابراین کرونا یک ایررخداد است و جهان پس از کرونا کاملا متفاوت خواهد بود. البته در این نظر من محتومیتی نیست. چرا که انسان می‌تواند این قسمت گرونایی را نادیده گرفته یا از حافظه‌اش پاک کند و همان جادوی پیش از کرونا را ادامه دهد. اما قطعا انسان عاقل و خردمند برای اینکه دوباره دچار کروناهای دیگر نشود، در بسیاری از مسائل خود تجدید نظر خواهد کرد.

فرهنگ‌های دیگر در راهند، چرا که فضای زندگی انسان بسیار متراکم شده و اگر یک گوشه‌ای اتفاق کوچکی رخ دهد ممکن است در اندک فرصتی به کل جهان سرایت کند. کرونا همین روند را طی کرد. ما به کل جهان پیوسته‌ای تبدیل شده‌ایم و کرونا پیوستگی از جهانی‌خوب و از جهانی‌مضر است. کرونا جنبه منفی این پیوستگی جهان بود و باعث شد که از یک اتفاق کوچک در یک گوشه کوچکی از جهان کل جهان ضرب ببیند. بنابراین باید جهان پساکرونایی را تغییر داد؛ و ملی‌گرایی توجیه بیشتری کرد؟ دو سوال اینجا پیش می‌آید: چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ و چه اتفاقی باید رخ دهد؟ اینکه چه اتفاقی می‌افتد، بستگی به شعور انسان‌ها و جوامع دارد. به احتمال زیاد انسان‌ها در آینده به طرف فردگرایی بیشتر و در امتداد آن ملی گرایی بیشتر بروند. کرونا نه صرفا زندگی اشخاص که دنیا را به پیش

فرهنگ ایرانی، زندگی سیاره‌ای و عصر پساکرونای



و پس از خود تقسیم کرده است. بنابراین کرونا یک ایررخداد است و جهان پس از کرونا کاملا متفاوت خواهد بوداما اینکه چه اتفاقی باید بی افتد، بحثش مفصل‌تر است. کرونا می‌تواند همانقدر که دیوارها را بلند کرد، به درهم شکستن آنها نیز بیانجامد. این شکستن دیوارها بستگی به شعور جوامع بویژه متفکران و مسئولان آنها دارد. باید دید چه الگوها و چه نظریه‌هایی تولید می‌شود.

اگر ما بتوانیم چند نظریه پرداز خوب در سطح جهانی داشته باشیم تا به تشریح وضعیت بپردازند و توضیح دهند که چقدر سرنوشت انسان‌ها به هم پیوند خورده، و چقدر مسیری که می‌رفتیم خطرناک بوده، بدون شک ما وارد عرصه تازه‌ای از مسائل زیست محیطی، اجتماعی و ساختار سیاسی جهان می‌شویم. اگر این فرصت پیش نیاید و انسان‌ها شعور زندگی سیاره‌ای را درک نکنند، کرونا به طرف بلندتر کردن دیوارها خیز برخواهد داشت. اگر کرونا به سمت بلندتر کردن دیوارها برود آینده جهان بس خطرناک‌تر خواهد بود.

اکنون وقت آن است که انسان‌ها ساختار تازه‌ای را تجربه کنند. در این ساختار باید رنگ ملی‌گرایی کمتر شود. ملی‌گرایی به این شکل دیگر امکان پذیر نیست. در این جهان که کوچک شده همه اجزا به هم مرتبطند. به نظر من هیچگاه این نظر سعدی که می‌گوید «بنی آدم اعضای یک پیکرند» به اندازه امروز صادق نبوده است. کرونا این نظر سعدی را برای ما اثبات کرد.

بنابراین در جهان پساکرونا دیگر نمی‌توان گفت که هر کسی یا ملتی در سرزمین خودش آزاد است که هرکاری که دلش می‌خواهد بکند. حتی اگر همه مردم یک کشوری هم تصمیم بگیرند که کاری بی‌معمول انجام دهند، دیگر نباید قدرت انجام آن را داشته باشند. اگر مردم چین بر اساس فرهنگ بومی خود تصمیم گرفتند که خفاش یا چیزهایی از این دست ماده غذایی‌شان باشند، دیگر این نوع ملی‌گرایی و بومی‌گرایی برای جامعه جهانی مضر است. چرا که همه انسان‌ها به هم مرتبطند. نتایج هیچ تصمیمی در پشت مرزها محدود نمی‌ماند.

دیگر هیچ ملتی نمی‌تواند بگوید که من خودم تصمیم گرفتم که این کار را انجام دهم و چهاردیواری اختیاری. دیگر چهاردیواری وجود ندارد. چه بخواهیم و چه نخواهیم در جهانی به سر می‌بریم که کوچک‌تر از دهکده مارشال مک‌لوهان است. در واقع، جهان بسیار کوچک‌تر و متراکم‌تر از آن چیزی است که مک‌لوهان فکرش را می‌کرد. پس فرهنگ‌ها دیگر حق تصمیم گیری مستقل را ندارند، چرا که ممکن است نتایجی مانند کرونا به دنبال داشته باشد.

در این جهان که کوچک شده همه اجزا به هم مرتبطند. به نظر من هیچگاه این نظر سعدی که می‌گوید «بنی آدم اعضای یک پیکرند» به اندازه امروز صادق نبوده استملته‌ها دیگر نمی‌توانند بر اساس فرهنگ بومی و بدون تفکر به فرهنگ جهانی زندگی سیاره‌ای تصمیم بگیرند. این نیاز به یک شعوری دارد که باید جامعه جهانی به آن برسد. اگر به این شعور برسد دیگر ملی گرایی به سبک جهان پیش از کرونا وجود نخواهد داشت و باید به دنبال صورت‌های تازه برای ساختارهای سیاسی بود که اکنون من برای آن ایده‌ای ندارم و اندیشمندان باید روی آن فکر کنند. به عبارتی کرونا به ما ثابت کرد که ادامه وضعیت فعلی امکان پذیر نیست. سوال اینجاست که چه باید کرد و کدام متغیرها باید عوض شوند؟

بله. چه کسی فکر می‌کرد یک نفر در گوشه‌ای از جهان کاری بکند که کل جهان را با بحران مواجه کند. این همان نظریه اثر پروانه‌ای است. بر اساس این نظریه با زن زدن پروانه‌ای در گوشه‌ای از سیاره می‌تواند بدل به طوفانی شده و تمام کشورها را دربر بگیرد. هیچ زمانی به اندازه امروز نظریه بال پروانه صادق نبوده است. نزد زمانی به اندازه امروز نظریه سعدی در پیکره‌ای بودن جامعه نمی‌توانست روشنگر باشد و همچنین هیچگاه نظریه گایا تا این حد مورد بحث قرار نگرفته است. ما پس از کرونا باید با درس گرفتن از کرونا به ساخت جهان تازه بایندیشیم. اگر دوباره همان رفتارها را تکرار کنیم، باعث از بین رفتن خودمان و سیاره خواهیم شد. اکنون در یک موقعیت حساس بی سابقه‌ای قرار گرفته‌ایم. متفکران و علمی‌ا جوامع باید پاسخ‌هایی برای این وضعیت داشته باشند و بهترین پاسخ مورد پذیرش قرار بگیرد.

لازم است ایرانی‌ها بتوانند آینده را تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی کرده و بر اساس این آینده پژوهی از اکنون اقداماتی را انجام دهند. آینده آن ملت‌هایی خواهد بود که بتوانند بهترین پیش‌بینی را داشته باشند و بهترین اقدام را همین امروز انجام دهند. ما هم می‌توانیم با اعمال برنامه‌هایی سرنوشت آینده را رقم بزنیم. باید بررسی کنیم که آیا ما قابلیت آن را داریم که به عنوان یکی از کشورهای صاحب نظر در جهان پس از کرونا باشیم؟

ملت‌ها دیگر نمی‌توانند بر اساس فرهنگ بومی و بدون توجه به فرهنگ جهانی و زندگی سیارهای تصمیم بگیرند. این نیاز به یک شعوری دارد که باید جامعه جهانی به آن برسداین مستلزم آن است که انسان تصور مناسبی از کرنایی امروز داشته باشیم. آیا تجزیه و تحلیلی که ما از کرونا داریم بهتر و قوی‌تر از تجزیه و تحلیل دیگران است؟ آیا فلاسفه، جامعه‌شناسان و روان شناسان ایرانی دور هم جمع شده و مشغول کارهای دغدیر در این عرصه هستند؟ به نظر ما توانایی سرمایه‌گذاری در همه جوانب را نداریم. هیچ کشور ای توانایی را ندارد. ما شاید زودتر از دیگر کشورهای غربی و شرقی به واکسن کرونا ترسیم. به جای صرف

فرهنگ ایرانی، زندگی سیاره‌ای و عصر پساکرونای

بنابراین قرنطینه به فرد مزه داده و او را وارد در جهان مجازی کرده است. اکنون نیز ما داریم وارد یک عصر مجازی می‌شویم. من دروس دانشگاهی‌ام را به صورت مجازی دارم ارائه می‌کنم. این احتمال دارد که این روند آرام آرام به عادت بدل شود. دانشگاه ممکن است بگوید که چرا این همه هزینه کنیم، فضا بگیریم و حقوق کارمند بدهیم؟ می‌توان همین روند را ادامه داد. برخی از دانشگاه‌ها اکنون به این فکر افتاده‌اند که این روند آموزش مجازی چقدر خوب است. این همان سرنوشت قرنطینه است. دانشگاه این ادعا را هم دارد که آموزش برای دانشجویان هم خوب است و آنها به جای رفت و آمد از خانه به صورت آنلاین از استاد درس می‌گیرند.

نه تنها با دیگر، کرونا نسبت فرد با خودش را هم دچار مشکل می‌کند. بیماری «خود بیمار انگاری» را نیز شایع کرده است. یعنی من اکنون نمی‌دانم که کرونا گرفتاه یا خیر؟ بنابراین دیگر مانند سابق به جسم خود نگاه نمی‌کنم. از این زاویه نگاه می‌کنم که نکند جسم من هم تبدیل به ناقل مرگ شده است؟ نه کند سرفه من از کرونا باشد؟ یکی از تغییرات بزرگی که کرونا ایجاد کرده همین جدا کردن «هن» از جسم و شکل گیری یک دوگانه است. یک من جسمانی درست شده و یک من ذهنی. من نسبت به خودم دارم آرام آرام به کار رابطه تازه می‌رسم. رابطه من با جسم دیگر مثل سابق نیست. برخی مواقع آن قدر دستام را می‌شویم که زخم می‌شود. کیست که دارد این شستن خون آلود را انجام می‌دهد؟ این سوزه-تندار هم به تن بیشتر می‌رسد و هم با آن محتاط‌تر است.

کرونا نسبت فرد با خودش را هم دچار مشکل می‌کند. بیماری «خود بیمار انگاری» را نیز شایع کرده است. یعنی من اکنون نمی‌دانم که کرونا گرفته‌ام یا خیر؟ بنابراین دیگر مانند سابق به جسم خود نگاه نمی‌کنم. دیگر خودبیماری انگاری تبعات روانی بسیاری بر ما خواهد داشت. اگر این شدت پیدا کند من در پناهگاه خودم نیز دیگر احساس امنیت نخواهم کرد. وسواس در پناهگاه باعث می‌شود که انسان همه چیزش را عاملی برای انتقال ویروس بداند. همچنین انسان که نمی‌تواند همه ارتباطات با بیرون را قطع کند. باید چیزی بخرد تا مصرف کند. این وسواس به عامل انتقال بودن آن اجناس هم می‌انجامد. بنابراین رابطه انسان با اشیا هم عوض می‌شود. رابطه من با فضا و با اشیایی که مرا احاطه کرده‌اند متفاوت شده است. به بخشی‌هایی از آن نزدیکتر و به بخش‌هایی دیگر دورتر شده است.

بنابراین کرونا دارد نگاه ما را به جهان عوض می‌کند. پارادایم یعنی نگاه من به خودم، دیگری و جهان، و کرونا دارد این موارد را تغییر می‌دهد. کرونا نگاه ما را به جهان عوض می‌کند. این عامل نشان داد که سیاره ما چقدر آسیب پذیر است و ما چقدر به آن آسیب زده‌ایم. سیاره دیگری جهان بیکرانی نیست که همه آسیب‌ها را تحمل کند. نحیف است و هیچگاه در طول تاریخ زمین به شدت زنجیف جلوه نکرده بوده است.

کرونا در نسبت ما با تکنولوژی هم تغییری ایجاد خواهد کرد؟

کرونا در این حوزه مانند یک شبانه‌ده عمل کرده است. ما آرام آرام در حال حرکت به سمت یک جهان کامپیاش مجازی، انوتاتیک، رباتیک و آنلاین بودیم و کمی نسبت به این حرکت مقاومت می‌شد. حتی بسیاری از استادان دانشگاه از تکنولوژی فرار می‌کردند یا علاقه به آن نداشتند. حال این استادان مجبور شدند که کلاس آنلاین بگذرانند. آنها‌ها و البته اینها مجبور شدند از لذت خریدن در بازار و فروشگاه‌های فیزیکی چشم‌پوشی کنند و آنلاین خرید کنند و... بسیاری از اتفاقاتی که قرار بود مثلا در عرض ۱۰ سال رخ دهد، با کرونا در عرض یکسال رخ خواهد کرد. ما را به جلو پرتاب کرد و ما باید از این فرصت استفاده کنیم تا حتی به جلوتر از دیگران پرتاب شویم. حال اینکه داس مرگ آمده و این پلیدی‌ها را آورده باید با مطالعه آن حداقل به فرصت‌هایش برسیم.

واژه بحران به زبان چینی هم معنای فرصت و هم معنای تهدید پنهان نهفته است. این نشان می‌دهد که واژگان و زبان چقدر می‌توانند مهم باشند. نوع نگاه و تصویر سازی و شمایل پردازی که ما از کرونا خواهیم داشت در چگونه شکل دادن جهان پساکرونایی ما اهمیت دارنواژه بحران به زبان چینی هم معنای فرصت و هم معنای تهدید پنهان نهفته است. این نشان می‌دهد که واژگان و زبان چقدر می‌توانند مهم باشند. نوع نگاه و تصویر سازی و شمایل پردازی که ما از کرونا خواهیم داشت در چگونه شکل دادن جهان پساکرونایی ما اهمیت دارند. این اشکال سهام جالب است. امروز روز سرمایه گذاری و رشد روز برداشت از سهام است و ما باید ببینیم که چطور می‌توانیم در آینده بیشترین سهم را در فرهنگ جهان داشته باشیم. احتمال دارد کارهای بی‌ثمر کرده و همه چیز را از دست بدهیم و البته این احتمال هم وجود دارد که با هوشمندی و با استفاده از نظر هوشمندانه یک سرمایه گذاری خوب بکنیم. و طرح خوبی برای آینده پیش بینی کنیم. برای این کار نیاز نیست همه جامعه هوشمند باشند اگر مسئولان از هوشمندان استفاده کنند و آینده پژوهی صورت گیرد ما می‌توانیم در جهان آینده سهم خوبی داشته باشیم. نخستین قدم در این راه تغییر و ابداع واژه‌هاست. ابداع واژگان برای این موقعیت یعنی فهمیدن رخداد و کار توانایی ابداع واژه نداشته باشیم یعنی موقعیت را درک نکنیم.دایم، نحوه مواجهه ما به رخداد برای تولید کلمات چگونه باید باشد؟ به هر حال وقتی متون تولید خواهند شد که واژگان تولید شوند.

واژه‌ها در گفت‌وگو و مباحثه ایجاد می‌شوند. در دل مباحثات و گفت‌وگوهای آزاد و منظره‌های می‌توانیم واژه‌ها را شکل دهیم. واژه‌ها باید پدید آیند و روز کنند و شکل پیدا کنند. واژه‌ها در گفت‌وگوهای میان افراد شکل می‌گیرد یا در یک حوضچه گفت‌وگویی و گفت‌وگومندی تجسم می‌یابند. واژه‌ها در خلوت و یا در فرمایشات ساخته نمی‌شوند. آزادی، گفت‌وگو، تأمل و اندیشه وزری واژگان را می‌سازد. ما اگر توانایی ساخت واژه پیدا کردیم آنگاه می‌توانیم ادعا کنیم که ما واژه‌ها را به شکل خودمان در این جهان ناامن در ترجمه هم ضرورت دارد.

که واژگان تازه برای این رخداد تازه ایجاد کنیم و اگر واژه‌ها ابداع نشوند شاید بتوان گفت که رخداد هم شکل نگرفته و آن برش تاریخی ایجاد نشده است. بنابرین قرنطینه به فرد مزه داده و او را وارد در جهان مجازی کرده است. اکنون نیز ما داریم وارد یک عصر مجازی می‌شویم. من دروس دانشگاهی‌ام را به صورت مجازی دارم ارائه می‌کنم. این احتمال دارد که این روند آرام آرام به عادت بدل شود. دانشگاه ممکن است بگوید که چرا این همه هزینه کنیم، فضا بگیریم و حقوق کارمند بدهیم؟ می‌توان همین روند را ادامه داد. برخی از دانشگاه‌ها اکنون به این فکر افتاده‌اند که این روند آموزش مجازی چقدر خوب است. این همان سرنوشت قرنطینه است. دانشگاه این ادعا را هم دارد که آموزش برای دانشجویان هم خوب است و آنها به جای رفت و آمد از خانه به صورت آنلاین از استاد درس می‌گیرند.

نه تنها با دیگر، کرونا نسبت فرد با خودش را هم دچار مشکل می‌کند. بیماری «خود بیمار انگاری» را نیز شایع کرده است. یعنی من اکنون نمی‌دانم که کرونا گرفتاه یا خیر؟ بنابراین دیگر مانند سابق به جسم خود نگاه نمی‌کنم. از این زاویه نگاه می‌کنم که نکند جسم من هم تبدیل به ناقل مرگ شده است؟ نه کند سرفه من از کرونا باشد؟ یکی از تغییرات بزرگی که کرونا ایجاد کرده همین جدا کردن «هن» از جسم و شکل گیری یک دوگانه است. یک من جسمانی درست شده و یک من ذهنی. من نسبت به خودم دارم آرام آرام به کار رابطه تازه می‌رسم. رابطه من با جسم دیگر مثل سابق نیست. برخی مواقع آن قدر دستام را می‌شویم که زخم می‌شود. کیست که دارد این شستن خون آلود را انجام می‌دهد؟ این سوزه-تندار هم به تن بیشتر می‌رسد و هم با آن محتاط‌تر است.

کرونا نسبت فرد با خودش را هم دچار مشکل می‌کند. بیماری «خود بیمار انگاری» را نیز شایع کرده است. یعنی من اکنون نمی‌دانم که کرونا گرفته‌ام یا خیر؟ بنابراین دیگر مانند سابق به جسم خود نگاه نمی‌کنم. دیگر خودبیماری انگاری تبعات روانی بسیاری بر ما خواهد داشت. اگر این شدت پیدا کند من در پناهگاه خودم نیز دیگر احساس امنیت نخواهم کرد. وسواس در پناهگاه باعث می‌شود که انسان همه چیزش را عاملی برای انتقال ویروس بداند. همچنین انسان که نمی‌تواند همه ارتباطات با بیرون را قطع کند. باید چیزی بخرد تا مصرف کند. این وسواس به عامل انتقال بودن آن اجناس هم می‌انجامد. بنابراین رابطه انسان با اشیا هم عوض می‌شود. رابطه من با فضا و با اشیایی که مرا احاطه کرده‌اند متفاوت شده است. به بخشی‌هایی از آن نزدیکتر و به بخش‌هایی دیگر دورتر شده است.

بنابراین قرنطینه به فرد مزه داده و او را وارد در جهان مجازی کرده است. اکنون نیز ما داریم وارد یک عصر مجازی می‌شویم. من دروس دانشگاهی‌ام را به صورت مجازی دارم ارائه می‌کنم. این احتمال دارد که این روند آرام آرام به عادت بدل شود. دانشگاه ممکن است بگوید که چرا این همه هزینه کنیم، فضا بگیریم و حقوق کارمند بدهیم؟ می‌توان همین روند را ادامه داد. برخی از دانشگاه‌ها اکنون به این فکر افتاده‌اند که این روند آموزش مجازی چقدر خوب است. این همان سرنوشت قرنطینه است. دانشگاه این ادعا را هم دارد که آموزش برای دانشجویان هم خوب است و آنها به جای رفت و آمد از خانه به صورت آنلاین از استاد درس می‌گیرند.

شماره ۲۹۴۴

اخبار

فرجام نامشخص پرونده‌های سال ۹۷ **واردات کاغذ چاپ کتاب رکورد زد**
در حالی‌که از امروز بار دیگر کتابفروشی‌ها به‌صورت مشروط فعالیت خود را آغاز می‌کنند، حجم بالایی از کاغذ برای انتشار کتاب در یک ماهه اخیر ترخیص شده است.
باوجود تعطیلی دو ماهه ناشران و کتابفروشان کشور و همزمان با نخستین روز فعالیت مشروط ناشران و کتابفروشان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نخستین‌جدول از وضعیت توزیع و ثبت سفارش کاغذ مطبوعات و کتاب در سال جاری را منتشر کرد.

این جدول درحالی منتشر می‌شود که تعاونی ناشران و کتابفروشان ایران (آشنا) نیز از اسفندماه سال پیش به‌دلیل شیوع کرونا صدور حواله‌های کاغذ به ناشران را متوقف کرده بود و البته چاپخانه‌ها نیز از فعالیت محروم شده بودند.

براساس آمار منتشر شده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از ابتدای سال جاری تا کنون ۲۲۸ پرونده واردات کاغذ شامل ۳۱ پرونده واردات کاغذ بالکی، ۶۲ پرونده واردات کاغذ چاپ و تحریر، دو پرونده برای واردات چاپ و تحریر رول و ۱۳۲ پرونده برای واردات کاغذ روزنامه ثبت شده است.

ارزش دلاری پرونده‌های ثبت شده ۹۷ میلیون دلار بوده و حجمی بیش از ۱۱۳ هزار تن را شامل می‌شود.

این گزارش تأکید کرده که از این حجم، بیش از ۲۷ هزار تن کاغذ به ارزش بیش از ۲۲ میلیون دلار نیز از ابتدای سال جاری از گمرکات ترخیص شده است.

همچنین نکته قابل توجه در این‌گزارش، این‌مساله بود که بیشترین حجم واردات را یک‌ماهه ابتدای سال جاری به موضوع کاغذ بخش فرهنگ اختصاص پیدا کرده که در نوع خود یک رکورد محسوب می‌شود.

حدادعادل:

گلستان سعدی پشتوانه ابدی زبان فارسی است

رئیس بنیاد سعدی در پیامی خود برای روز بزرگداشت سعدی عنوان کرد گلستان پشتوانه ابدی و سرمایه جاودانی زبان و ادبیات فارسی است.

غلامعلی حدادعادل رئیس بنیاد سعدی در آستانه اول اردیبهشت ماه و روز سعدی پیامی را صادر کرد.

رئیس بنیاد سعدی در این پیام با بیان اینکه اوّل اردیبهشت در کشور ما و در میان فارسی‌زبانان سرزمین‌های دیگر «روز سعدی» نامیده شده است. این روز و ماه را سعدی در مصرعی به صورت «اوّل اردیبهشت ماه جلالی، آورده است، اظهار کرد: سعدی یکی‌گمان معروف‌ترین شاعر ایرانی در جهان است. کافی است به تعداد ترجمه‌هایی که به زبان‌های مختلف دنیا از آثار سعدی، به‌ویژه گلستان و بوستان، صورت گرفته و به قدمت و تنوع این ترجمه‌ها توجه کنیم تا صحت این ادعا بر ما ثابت شود. شادروان دکتر جواد حدیدی، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در کتاب معتبر خود، «از سعدی تا آراگون»، گفته است که تنها در پارس چهار خیابان به نام سعدی وجود دارد

و وی علت این امر را توضیح داده است. وی در خصوص تألیف گلستان سعدی گفت: سعدی آموزگار جوادانه زبان فارسی است. از سال ۶۵۶ هجری قمری که سال تألیف گلستان است عموم کسانی که در داخل و خارج از ایران خواسته‌اند فارسی بیاموزند گلستان خوانده‌اند و سن سفره سعدی نگشته‌اند.

حداد عادل همچنین یاد کرد: گلستان برای فارسی‌آموزان، مانند شیر مادر نوزادان، ضروری و مفید محسوب می‌شده است. بزرگی و عظمت سعدی تنها به علت قریحه شاعری و فصاحت و بلاغت او نیست، بلکه به سبب هوشمندی و درایتی نیز هست که در تألیف گلستان به ظهور رسیده است. سعدی در تألیف این کتاب آنچنان استادی و هنرمندی به خرج داده که آن را برای همه سلیقه‌ها و سن‌وسال‌ها مطلوب و محبوب ساخته است.

رئیس بنیاد سعدی افزود: گلستان سعدی فقط یک کتاب ادبی نیست، بلکه یک کتاب «آموزشی» بسیار موفق و جذاب است. معلمان زبان و ادبیات فارسی اگر بخواهند نوجوانان و جوانان را به صورت ریشه‌دار و بنیادی آموزش دهند، نباید از گلستان غافل شوند. گلستان پشتوانه ابدی و سرمایه جاودانی زبان و ادبیات فارسی است.

پایان طرح تاریخ شفاهی موزه مردم شناسی

طرح «تاریخ شفاهی موزه مردم شناسی» که با توجه به اولویت‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و نیازهای کاربردی کشور در توجه به فرهنگ بومی و اصیل مردم تهیه شد به پایان رسید.

علیرضا حسن زاده رئیس پژوهشکده مردم شناسی با اعلام این خبر گفت: طرح یاد شده با تلاش مینو سلیمی و مریم پهلوان شریف از اعضای پژوهشکده مردم شناسی به پایان رسیده و آماده انتشار است.

او افزود: این طرح مجموعه گفت و گو‌هایی را با اندیشمندان و صاحب نظران مختلف در مورد تاریخ موزه مردم شناسی در ایران، استراتژی طرحی آن، جایگاه و اهمیت موزه مردم شناسی ملی و مادر دربردارد.

حسن زاده تصریح کرد: این طرح با توجه به اولویت‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و نیازهای کاربردی کشور در توجه به فرهنگ بومی و اصیل مردم تعریف شده است. حسن زاده ابراز امیدواری کرد، این اثر مهم با توجه به فقدان منبع در حوزه موزه‌های مردم شناسی در کشور، از سوی پژوهشگاه با همکاری مراکز مرتبط منتشر شود.